



صهیونیستی نیز بیشترین تلفات خود را در همین دوره متحمل شده است. از ابتدای سال ۲۰۲۲، ۳۱ اسرائیلی طی عملیات‌های فلسطینی کشته شده‌اند و ارتش رژیم ادعا می‌کند حدود ۳۰۰ بار به سمت سربازانشان شلیک شده که در مقایسه با ۶۱ مرتبه شلیک در سال ۲۰۲۱، و ۳۱ شلیک در سال ۲۰۲۰ آماري چند برابري است.

یکی از دلایل بسیار مهم افزایش درگیری و شکل گرفتن هسته‌های مقاومت در کرانه، به محاق رفتن راه حل دودولتی و تغییر تصویر مردم این منطقه از سرنوشت خود است. با افزایش شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، ضعیف شدن تعاملات و مذاکرات سیاسی با تشکیلات خودگردان و از بین رفتن مشروعیت محمود عباس، مردم و به خصوص نسل جوان فلسطینی در کرانه راهی جز مبارزه مسلحانه را پیش روی خود نمی‌بینند. حماس حدود صد روز پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی روایتی را از چرایی و جوب این عملیات منتشر کرد که در بخشی از آن بیان شده بود: «...حتی با وجود مسیر صلح و علی‌رغم قرارداد اسلو که در سال ۱۹۹۳ برای تشکیل یک کشور فلسطینی در کرانه و غزه با «ساف» بسته شد، اسرائیل عملاً این منطقه را نابود کرد و از طریق دو برابر کردن شهرک‌سازی و یهودی‌سازی کرانه باختری به ویژه بیت المقدس شرقی، حامیان دودولتی دریافتند با بن بست مواجه شده‌اند و این مسیر نتایج فاجعه‌باری را برای فلسطین به همراه داشت...» روشن است که از دید بسیاری از فلسطینیان، تلاش‌های منتهی به

یهودی‌سازی قدس و کرانه با وجود این که قطعنامه‌های بین‌المللی این مناطق را به عنوان مناطق فلسطینی به رسمیت می‌شناسند، نه یک اقدام از سر تندروی و خلاف جهت حرکت رژیم بلکه تلاشی سیستماتیک است. این روند توسط تمامی نهادها رسمی و قانونی اسرائیل تایید شده و اقدامات نمایشی دولت آمریکا مانند تحریم تعداد بسیار محدودی از شهرک‌نشینان تغییری در فرایند ایجاد نخواهد کرد.

در این بین دولت راست‌گرا و افراطی نتانیاهاو همه چیز را سرعت بخشیده و به تحولات کرانه حتی پس از ۷ اکتبر، رنگ دیگری می‌پاشد. پیش از آغاز طوفان الاقصی افرادی مانند بن‌گوریر و اساموتریچ آشکارا از الحاق کرانه و قدس به خاک اشغالی صحبت می‌کردند و شهرک‌سازی در طول مدت حاکمیت آن‌ها سرعتی تقریباً دو برابر پیدا کرد. نتانیاهاو زمانی که در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد، یک نقشه از مرزهای تاریخی فلسطین به همراه داشت که نوار غزه و کرانه باختری نیز جزو آن بودند؛ با این تفاوت که نام اسرائیل بر تمامی آن نقشه درج شده بود. پس از طوفان الاقصی نیز دستگیری‌های گسترده، هجوم‌های پی‌درپی و فشارهای امنیتی و انجام چند عملیات ترور، اقدامات نهادهای امنیتی و

نظامی رژیم برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش در کرانه بودند. تصویب ساخت ۳۴۰۰ واحد مسکونی جدید و از سرگیری تخریب خانه‌های فلسطینی نیز جزئی از سیاست پالس فضای عادی در اسرائیل است؛ گویی که آن‌ها بر تمامی روندها تسلط دارند و نقشه‌های پیشین خود را جلو می‌برند. اما آیا چنین ژستی می‌تواند رژیم را از واقعیتی که درگیر آن است نجات دهد؟

افزایش عملیات‌های استشهادهای، پاسخ‌های محکم‌تر گروه‌های مقاومت هنگام تهاجم رژیم به مناطق مختلف کرانه از جمله جنین نوید یک سازمان‌دهی دوباره را پس از بازداشت‌های گسترده سه‌ماهه اخیر می‌دهد. از سوی دیگر با آغاز ماه رمضان حضور مسلمانان در مسجد الاقصی شور دیگری خواهد گرفت و هرگونه تنش و التهاب در قدس، آتش را به جان کرانه آماده اشتعال خواهد انداخت. روند روبه‌رشد التهابات در ماه‌های رمضان، به خصوص بعد از عملیات سیف‌القدس نوید یک رمضان بزرگ دیگر را می‌دهد. آیا همان طور که در آرایش گروه‌های مقاومت پس از برهم خوردن مذاکرات آتش‌بس، رویکرد تهاجمی جدیدی رؤیت می‌شود، شاهد به دوش گرفتن بار تاریخی دیگری توسط محافظان همیشگی قدس شریف خواهیم بود؟